بشیر مؤمن ۲۰۲۱/۰۱/۱۷

جامعه شناسی صلح

اصطلاح صلح از لحاظ لغوی به معنای آشتی، دوستی وسازش و... آمده است . اما در فرهنگ سیاسی صلح به معنای حالت آرامش در روابط عادی با کشورهای دیگر وفقدان جنگ ونیز فقدان نظام تهدید است.همزیستی مسالمت آمیز در روابط میان کشورها با نظام های مختلف به معنای رعایت اصول حق حاکمیت ،برابری حقوق ،مصونیت ،تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ ،عدم مداخله در امر داخلی سایر کشورها وفیصله دادن به مسائل بین المللی است.
عمده ترین نظریات جامعه شناسان را میشود به دو گروپ تقسیم نمود:
الف- آرامانگرا یان :اینها برتری دادن به اخلاق نسبت به قانون وتقدم سیاست بین الملل به سیاست داخلی نوعی جهان وطنی را مدنظر دارند .از جمله این اندیشمندان می توان به کانت ،برتراند راسل ،گاندی- غفارخان وویلسون اشاره نمود اساس تفکر این گروه را خیر خواهی وصلح طلبی ذاتی انسانی تشکیل می دهد .اندیشه خلع سلاح ،تشکیل دولتی مافوق دولت ها تحقق صلح از طریق مودت ودوستی ، تاسیس جامعه ملل امنیت دست جمعی وخود محدودیتی دولتها از طریق پای بندی به قوانین جهانی از جمله راه حل های این گروه است
ب - واقع گرایان :برخلاف آرمانی ها به این باوراند که میشه شکاف میان سیاست داخلی وبین المللی را کاهش داد وحتی از بین برد واقع گرایان بر این اعتقادند که این « غار» بسیار چقور است وبه آسانی پرنمیشود .از نظر ایشان آرمانگرایان غافل از واقعیات بنیادین سیاست بین الملل ،باعث عدم توجه به وظیفه اصلی یعنی تضمین امنیت ملی می شوند ودولت را در برابر رقبای بدخواه آسیب پذیر می ساختند. واقع گرایی که مدتها چشم انداز مسلط در روابط بین الملل بود وبه رقابت بی پایان دولتها بر سر قدرت وامنیت تاکید دارد . در این دیدگاه طرح های اخلاقی در سیاست بین المللی که دولتها باید در آن امنیت خود را تامین کرده وکمتر به همسایگان خود اعتماد کنند تاثیر چندانی ندارد .در سیاست خارجی اصول جهان شمول اخلاقی وحقوق بشری در خدمت منافع ملی وبدنام کردن رقبای اصلی است ونه نشانه ای از يك اجتماع بین المللی در دوران پس ازحاکمیت ملی ،هرچند دیدگاه واقع گرایی با اندیشمندان سیاسی از جمله توسیدید هابز وماکیاولی پیوند دارد اما اندیشمندان قرن بیستم مانند کار ،مورگنتا ووالتز بودند که واقع گرایی را برای نخستین بار به شکلی نظام یافته ترتیب وتنظیم نمودند. با اتکا با نظریان فوق جامعه شناسان میگویند که صلح نتیجه و کارکردِ حضور یک نوع خاص از «نظم و تغییر» و تداومِ آنها است. همانطوریکه جنگ نتیجه محصول حضور یک نوع دیگری از «نظم و تغییر» و تداومِ آنها است. چنانکه ظهور انواع خشونت و ستیزه و جنگ هم، نتیجه حضور و تسلط «نظم و تغییر» ضدِ صلح و ضدِ مُدارا در یک جامعه و در مناسبات بینالملل است.
نظم اَشکال و انواع گوناگونی دارد که؛ اعم از نظمهایِ ساختاریِ عینی و نظم گفتمانی و حقوقی و کنشی است. نظم ساختاریِ عینی تالکوت پارسونز (Talcott Parsons) جامعهشناس آمریکایی چنین صورت بندی کرده است:
نظم سیاسی ؛نظم اقتصادی؛نظم فرهنگی؛و نظم اجتماعی است.
به عبارت دیگر، تسلط نهادها و ساختارها و قوانین و گفتمانهای تبعیضآمیز، ظالمانه ، غیرعادلانه و یک جانبه در مناسبات نهادی و مناسبات جمعی و فردی یک رویداد ضدصلح
و ضدمدارا و ضدمسالمت است و یا آنرا از بین میبرد و سرکوب و خشونت و خشم و جنگ و ترس را به صحنه میآورد. اما چیزیکه صلح را به خطر مواجه میسازد در قدم اول نظم سیاسی است که اغلب دولت ونظام حقوقی از آن نمایندگی مینمایند . ودر قدم دوم نظم اقتصادی است که بازار ونظام تولیدی از آن نمایندگی میکند .در صورتیکه این دو ساختار چه در داخل جامعه و چه در مناسبات بینالملل تبعیضآمیز و غیرعادلانه و غیرانسانی باشند، صلح و مدارا و آرامش و آشتی و امنیت از میان میرود. به همین ترتیب در جامعه یا در مناسبات بینالملل اگر راه تغییرِ مسالمتآمیزِ نظمِ مسلّط بسته باشد ؛قهر، خشونت و جنگ به جامعه یا به مناسبات بینالملل برمیگردد. امروز جنگ در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

کشور ما نتیجه پنهان و پیدای دول خارجی وبخصوص پاکستان است .پریذدنت غنی درین رابط در نشست با نماینده اتحادیه اروپا گفت که : «ثباتی که از راه گلوله، زور و تهدید بیاید، ثبات نیست، بلکه فصل آغاز یک ناآرامی دیگر است. افغانستان از خشونتی رنج می برد که محصول تنها شرایط داخلی نیست، بلکه محصول شرایط بین المللی و منطقوی است و ضرور میباشد که ما هر بُعد این مسئله را به دقت مدنظر بگیریم و راه حل واضح را پیشنهاد کنیم که پیشنهاد کردهایم.»به قول او مهمترین مسئله وحدت ملی، ایجاد اجماع سیاسی و پیدا کردن راه حل سیاسی برای جنگ است و گفت امروز صلح به یک گفتمان ملی افغان ها تبدیل شده و این گفتمان ادامه مییابد.

صلح وامنیت بین المللی اصطلاحی است که امروز در ادبیات روابط بین الملل به کار می رود ومنظور از آن آرامش وثبات در نظام جهانی است ،به گونه ای که هیچ یك از قدرت ها و واحدهای سیاسی پا از «گلیم» خود فراتر نگذاشته وبه قلمرو یکدیگر تجاوز نکنند بلکه آن را محترم بشمارند وهمه دولتها در حفظ صلح وامنیت بین المللی بکوشند واز هیچ طریقی آنرا مورد تهدید قرار ندهند .با توجه به شرایط حاکم بر روابط بین الملل دو نکته را در مورد مفهوم صلح وامنیت جهانی باید مد نظر قرار داد.

اول اینکه صلح وامنیت بین المللی به معنای واقعی اش الزاماً با حفظ وضع موجود تامین نمی شود چرا که امکان دارد قوانین وساختارهای حقوقی نظام حاکم بر روابط بین الملل ماهیت ظالمانه وتبعیض آمیز داشته باشد .در حالیکه صلح از مفاهیمی است که با عدالت ومساوات عجین است ،لذا پایداری آن بدون عدالت ممکن نیست.

دوم آنکه در گذشته صلح وامنیت از مفاهیمی بود که صرفاً در حوزه نظامی واحیاناً سیاسی کاربرد داشت اما امروز بخصوص اصطلاح امنیت در ابعاد وسیع سیاسی ،فرهنگی ،اقتصادی ،تکنالوژیکی وجز آن معنی دارد .اگر چه برخوردهای نظامی واصطکاك های سیاسی همچنان مهمترین تهدیده کننده صلح وامنیت محسوب می شوند یعنی آن چه که امروز پاکستان در برابر کشور ما افغانستان مینماید . اما درکل بافت وتداخل قلمروهای منطقوی وجهانی به عنوان یکی از پیامدهای پدیده "جهانی شدن " موجب شده است که بحران وناامنی در یکی از حوزه ها به دیگر قلمروها تاثیر بگزارد . بنابراین بحران اقتصادی وفرهنگی می تواند به بحران سیاسی واحیاناً نظامی منجر شود . حقیقت این است که کشور ما امروز در بحران قرار دارد این بحرانها بحرانهای ساختاری و سیستماتیک است.لذا راهحل آن نیز ساختاری و سیستماتیک میتواند باشد . متوجه باید بود که مشکل و پرابلم در سیستمها به وجود میآید و در درون همان سیستمها با سازوکارهای مشخص و معمول حل میشود، حتی اگر سیستم دچار اختلال نسبی شده باشد از طریق ساز وکارها مجدداً به توازن و تعادل میرسد و بقایش ادامه پیدا میکند ولی وقتی گپ از بحران در میان می اید؛ از پدیدهای سخن میگوییم که حل آن از توان سیستم خارج شده است.

وقتی ما در نظامهای سیاسی و اجتماعی از بحران سخن میگوییم یعنی دیگر نمیتوان انتظار حل بحران را از شیوه های سنتی ومصلحتی درون نظام داشت. تحول در مطالعات و نظریههای صلح باعث شده است که جامعهٔ امروز از واژهٔ سنتی صلح که به نبود جنگ اطلاق میشد بسیار فراتر رود، صلح در قالب سنتی مترادف بود با نبود خشونت مستقیم و کارگزار و آشکار که بارزترینش جنگ بوده است. کنون افغانستان شاهد تضادها وشکافهای گوناگون است که از درون سیستم بیرون آمده؛ گاهی خود سیستم میخواهد همین وضع موجود را حفظ کند، همین وضعیت که در واقع تعبیر دیگری از جنگ است؛ جنگ پنهان، جنگ ساختاری، جنگ مقام، جنگ قدرت، جنگ ثروت. جنگسالاران میخواهد وضع موجود را حفظ کند وبهخصوص در شرایطی که امروز در آن قرار داریم دیگر نمیتواند با روشها و راهحلهای سنتی بقای خود را تضمین کند. ما در وضعیت جنگ اجتماعی قرار داریم و نیازمند اصلاحات درونسیستمی هستیم. برای اصلاح، ابتدا افراد باید اصلاح شوند و سپس سیاستها وعملکردها.بر اساس آنچه در متن های مذهبی و کلاسیک سیاسی از صلح میشود، در طی چند قرن اخیر، مفهوم صلح به صورت بنیادین تغییر کرده است. در این میان، شکل گیری دولت-ملّتها و روابط جدیدی که میان این واحدهای سیاسی به وجود آمد، سبب طرح نظریّه ها و پیشنهادهای کاملاً تازهای درمدیریّت این روابط و چگونگی تأمین صلح شد. پُرطرفدارترین دسته بندی مفهومی صلح؛ مفاهیمی اند از" Galtung,Johan " ؛ فیلسوف و اندیشمند نارویی تحت عنوان "صلح مثبت"و "صلح منفی". صلح منفی به گفته "گالتونگ"وضعیّتی است که ظاهراً نه جنگ وجود دارد ونه صلح واقعی؛ یعنی وضعیّتی شبیه آتش بس موقّتی و نبود خشونت مستقیم و عریان. صلحِ مثبت امّا نه تنها دربرگیرندهی صلح منفی است بلکه ضمن آن، بر فراهم شدن شرایطی چون همبستگی، عدالت، برابری و شکل گیری مناسباتی تأکید میکند که زمینه ها و بهانه های ظهور خشونت و منازعه در آن از میان رفته باشد. صلح منفی که به معنای نبود مخاصمه است و صلح مثبت زمانی موجود است که علاوه بر فقدان مخاصمه، موازین حقوق بشر و خصوصا قواعد دموکراسی نیز رعایت گردد. در واقع صلح مثبت زمانی در جامعه ای برقرار می گردد که خشونت ساختاری - و نه صرفا درگیری مسلحانه - در آن جامعه وجود نداشته باشد. با این توضیح کوتاه و ساده در مییابیم که جایگاه صلح مثبت بسیار بالاتر از صلح منفی است، بی آنکه بخواهیم از ارزش و اهمیت برقراری صلح منفی بکاهیم. بنابراین واضح است که جامعه بین المللی و در پی آن دول عضو این جامعه، پس از دستیابی به هدف برقراری صلح منفی یعنی فقدان جنگ هرچند به نحوی ناکامل - رویای دستیابی به صلح مثبت را مورد توجه خویش قرار دهند. باد درد ودریغ که در جهان کنونی همه چیز آمده جنگ است ، چرا که صلح سخت تر به دست می آید و تلاش دوطرفه می طلبد، اما باید مشخص کنیم که مراد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ما کدام صلح است. صلح مثبت یا صلح منفی، صلحی که همه در فکر جنگ هستند، درحال آماده باش به سر می برند. پریزدنت غنی در نشست اتحادیه اروپا در بروکسل کفت که : «اجندای اتحادیه اروپا ثبات، ختم جنگ و پیشرفت در جهان است. برای آینده افغانستان یک فرصت عظیم وجود دارد و آن این است که به بحران های چهل ساله نقطهٔ پایان گذاشته شود.داکتر غنی گفت مبنای سیاست خارجی افغانستان، ایجاد دیدگاه مشترک با همکاران و تغییر دیدگاه بیطرف به مثبت و دیدگاه منفی به بیطرف و مثبت است. در همین حال، خانم موگرینی نماینده اتحادیه اروپا گفت: «سالهای قبل که من به افغانستان آمده بودم، از صلح حرف زده نمیشد، اما امروز افغانستان در یک مرحله حساس تاریخ قرار دارد و صلح به یک بحث اصلی مبدل گردیده است، این نتیجه ابتکار شجاعانهٔ رییس جمهور غنی بوده و اینکه بحث صلح جدی شده است. او گفت که زمان آن رسیده که تمام افغانها آیندهٔ شان و سرنوشت صلح را به دست بگیرند. درین روز ها همه جا بعد از آعاز نشست دوردوم مذاکرات صلح در دوهه حرف از حکومت موقت است ، با این وجود اختلاف در جناح دولت و همان مجاهدین بر سر طرح تشکیل "دولت موقت" داغ گردیده و دو طرف به سوی یک صفبندی جدید از موافقان و مخالفان این طرح به پیش می روند. کشور و ملت افغان خواهان یک صلح با عزت است ! صلح با عزت یعنی حفظ استقلال کشور ؛ یعنی صلح که به فرمایش خارجی ها نباشد : صلح که در آن جمهوریت ؛ قانون اساسی آزادی بیان، ارزشهای حقوق بشری، حقوق و آزادهای زنان که واقعیتهای کنونی جامعه افغانستان است حفظ شود.درین رابطه پریزدنت غنی در گردهمآیی در ولایت ننگرهار که: « تمام تلاش جناح دولت در روند صلح این است که رهبری کشور از طریق انتخابات منتقل شود. ولی صلح با ثبات زمانی میسر خواهد شد که طرف طالبان قبول کند که رهبری باید از طریق انتخابات تعیین شود. داکترغنی اضافه نموده گفت وظیفه ما این است که دولت را به اراده مردم به جانشین خود تحویل دهیم در غیر آن صورت هیچ کس انقطاع نظام را نمی پذیرد». درین لحظه حساس کشور لازم است تا دولت بطورمسولانه و زیرکانه موضوع صلح را همه جانبه مطالعه وزیر نظر داشه باشد. وموسسات اکادمیک بطور پژوهشگرانه علل وعوامل نا صلح وراه های ختم جنگ را مورد مطاله وتخقیق قرار دهند ! می دانیم که مردم ما از تشکیل حکومت موقت بعد از طالبان راه دراز وپیچیده را پیموده اند که تا اینجا رسیده است. ولی محصولات پاکستان یعنی مجاهدین – طالبان میخواهند زیر نام حکومت موقت بار دیگر قوای مسلح را از هم بپاشاند و حکومت دست نشانده پاکستان را تشکیل دهند. ازین رو بر ماست تا از نظام کنونی واز رهبری دولت با وجود تمام کاستی ها و«پنچری های» که دارد حمایت نمایم که این حمایت در حقیقت از دست آورهای بیست ساله است ! در غیر آن جامعه وکشور به عصر شتران « شاگرس» خواهد نمود! دولت موقت به معنی نابودی هویت مان استقلالیت مان برای ابد خواهد بود!

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ